

## گاه باشد که کودکی نادان به غلط بر هدف زند تیری \*

رقابت‌ها به سبک «ننه من غریبم!» میان ارگ و سیدار



**پیوسته به گذشته قسمت یکصد و بیست و پنجم:**

**میگویند** شخصی را که تازه لایسنس درپوری را گرفته و در عرض یکسال چندین بار تصادف کرده بود به محکمه بردند، قاضی محکمه به او گفت: آقا دیگر بسیار خراب کرده ای در فاصله یکسال چهارتا رهرو را زیر گرفته ای و این خلاف قانون است، مردی که در محکمه حضور یافته بود با سادگی پرسید: آقای قاضی مگر مطابق قانون در طول یکسال چند تا رهرو را می شود زیر گرفت؟



دوسه روز پیش بود که خیرتدویر اجلاس انجمن والیان بازنشسته افغانستان را از وسائل ارتباط جمعی شنیدیم که آنها برای ختم مشروعیت دوساله ای حکومت وحدت ملی تاریخ تعیین کرده اند و گفته اند که با ختم میعاد دوساله حکومت وحدت ملی افغانستان این حکومت پس ۲۹ ماه سنبله سال جاری غیر قانونی است و پس از آن مشروعیت ندارد،

<https://www.youtube.com/watch?v=gdCTLFoWQCM>

پیوست به آن یکی از مریدان خانوادگی خانقاه طریقه قادریه شریف شخص خلیفه انورالحق احدی رهبر خود خوانده اپوزسیون حکومت وحدت ملی یا جبهه نوین ملی افغانستان که چهارده سال تمام از نازدانه های نظام کنونی مافیای شریف محسوب میگردید و همین اکنون نیز با حفظ تمامی امتیازات مادی فقط بر مبنای غریزه و اعتیاد به قدرت و ثروت یک تنه به میدان آمده اداره حاکم کنونی را مانند همکاران دیگر ایشان که از تریبون انجمن والیان سابقه افغانستان سخن میگفت حضرت انورالحق آغا نظام کنونی را از هم اکنون غیر مشروع دانسته است،

<https://www.youtube.com/watch?v=TQc87IQcams>

همه ما گفتیم بسیار خوب! سایه حضرت خلیفه صاحب انورالحق احدی بر سر همه گان مستطاب باد! اما جای این سوال باقی است که چرا اکنون و پس از یکنیم دهه چریدن در علفزارهای مافیای شریف به فکر مشروعیت دولت ها و منافع ملی در مخالفت با رژیم مافیائی قرار گرفته است؟ ما زیاد دورنه

میرویم توجه جناب احدی صاحب را به حمایت های افراطی از متفکر دوم جهان حضرت محمد اشرف غنی احمدزی که از قضا یاران بیروتی انورالحق آخندزاده نیز به شمار میرفت معطوف میداریم . تا باشد که مردم بی دست و پای افغانستان که هرچند مظلومیت و شرافت ملی آنها را در دامی از امتیازات به اسارت گرفته شده در باره سخنان کنونی آخندزاده صاحب احدی قضاوت نمایند .

<https://www.youtube.com/watch?v=gThRFIAPgYc>

**یم بینید عزیزان :** که این آقای حضرت انورالحق آخندزاده نه تنها بحیث یکی از عناصر کلیدی رژیم حاکم کنونی بلکه به عنوان روشنفکری که خود را تنها وارث برحق اندیشه ها و افکار بسیاری از رجال برجسته ملی تاریخ کشور ما مانند **غلام محمد فرهاد** رهبر و بنیانگذار نهضت ملی افغان ملت همچنان مرحوم استاد **مولانا قیام الدین خادم** از بزرگترین مشاهیر تاریخ آزادی خواهی کشور و دیگر مبارزان اصلاح طلب ملی و مذهبی افغانستان می دانست چگونه باور و اعتماد مردم را به بازی گرفته بود ؟



این سوال در ذهن عامی ترین افراد این جامعه نیز مطرح بود که وقتی مردی که شعار مبارزه با تبعیض و استبداد و تحکیم عدالت اجتماعی را صبح و شام مانند تسبیح می چرخاند و درباره کسی سخن میگوید که چندین سال با وی رفیق گرمابه و گلستان بود چگونه با این تفاوت فاحش کنونی ملاک هایش تعویض میشود ؟ قبل از آنکه مردم بر چگونگی ضعف ها و کمبودی های اصلی و عمومی اداره کنونی سخن به میان آورند ، نسبت به تدبر ابتدائی و بلوغ سیاسی آخندزاده انورالحق احدی شک پیدا میکنند و اگر همه مریدان ساده اندیش آن حضرت نتوانند مناسبات کسی را که مقتدای فکری و سیاسی خود میدانستند تشخیص بدهند ، میتوانند بر راه حل های کنونی که وی بیان می فرمایند می شناسند و میبینند که به هر حال هر آنچه هست ، طبیعی نیست . هرچند انجمن والیان سابق قول داده که یک طرح همه جانبه برای حل بحران افغانستان را با همه طرف های سیاسی مورد بحث قرار خواهند داد اما مردم میدانند که اگر این بار طرح انهدام کامل کشور و سقوط آن در کیسه های فرد فردی از این تشنه گان قدرت و ثروت خواهد بود . اما هیچکسی ندانست که آغا داماد لنگرخانه حضرت انورالحق آخندزاده برای حل بحران کنونی جامعه داری چه طرح و ارائیه چگونه گفتمانی است ؟ آنچه را که اکنون آخندزاده صاحب احدی به عنوان راه حل های ناب از تریبون های عمومی مطرح می فرمایند به جز تعویذ نویسی توهم زأ و معجون به میعاد گذشته ای همچون فراخوانی لویه جرگه عنعنوی و یاهم تشکیل حکومت موقت بیش نیستند .

**مشروعیت از وثیقه قانون اساسی و یاهم موافقتنامه حکومت وحدت ملی ؟**

در باز بینی نقاط ضعف کارنامه دوساله حکومت موسوم به وحدت ملی افغانستان به نقاطی برمیخوریم که ما و همه کسانی که رد حوزه تاریخ و جامعه شناسی حوادث کنونی جامعه و تمدن ما را مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهند متأسفانه نه میتوانند از برخی پیچیده گی ها و پارادکسهای اصولی و بنیادی ای انکارکنند که عوارض اصلی معیوبیت اعتقادی و اصولی سیستم کاریکاتوری حاکم بر سرنوشت افغانستان باستانی به شمار میروند. این حالت با چنین وضعیت به ما و همه انانی که حوادث مربوط به جامعه افغانی را در آئینه یک اندیشه اعم از دینی و غیر دینی مورد تحلیل و کنکاش می گیریم حق میدهد که نظام حاکم بر سرنوشت مردم افغانستان را متهم به بی هویتی و فعالان آنرا به روحیه ای **"من زنده جهان زنده"** متهم کنیم. بی هویتی بدین دلیل که نه میتوان این نظام حاکم را به اسم و قواعد هریکی از نظام های حاکم و مروج در جهان معاصر تعریف و تعبیر کرد. زیرا نه میشود در یکی از مراحل تاریخی تنها به تظاهر برانتصاب یک مکتب و یاهم یک جریان سیاسی و عقیدتی بسنده کرد و برخی از رجال هرچند برجسته "سیا" را وارث یک جریان فکری و سیاسی بنامیم. من اکیداً باوردارم که بدون داشتن یک تفکر زنده و پویا نه میتوان حرکت و نهضتی را در مجموعه های تشکیلاتی و فکری به شمار آورد.

### **تأکید عبدالله واشرف غنی بر مشروعیت پارادکسیال و معیوب از قانون اساسی !**

هرچند هیچ یکی از سهامداران شرکت سهامی موسوم به وحدت ملی افغانستان که پس از انجام انتخابات تقلبی اخیر ریاست جمهوری افغانستان به اثر مداخله جان کری John Forbes Kerry و با تصویب موافقتنامه کاملاً متضاد با احکام قانون اساسی افغانستان بصورت مساویانه و برقواعد فورمول معروف "نصف لی و نصف لک" بوجود آمد.



بدون شک در کارنامه دوساله حکومت وحدت ملی افغانستان حقیقت درد ناک تقابل قانون اساسی با موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی مشاهده میشود ....



\* از حکایت گلستان سعدی